

# مردِ مرد

اثر  
رابرت بلائی

ترجمه‌ی  
فریدون معتمدی



انتشارات فروارید

## فهرست

۹	مقدمه
۱۵	پیشگفتار
۲۱	<b>فصل اول - بالش و کلید</b>
۲۷	پیدا کردن آبرون جان
۳۰	از دست دادن توپ طلایی
۳۸	پسرک چه می‌کند؟
۴۰	سوار بر قلم دوش «شیرمرد»، رفتن
۵۰	پدر - دور از دسترس
۵۹	<b>فصل دوم - وقتی که یک مو طلا می‌شود</b>
۶۱	القصة: اولین روز در کنار برکه
۸۴	القصة: روز دوم
۹۱	القصة: روز سوم
۹۶	پا به دنیا می‌گذارد
۷۱	<b>فصل سوم - جاده‌ی سقوط، خاکستر و اندوه</b>
۱۰۲	چه اتفاقی می‌افتد
۱۱۱	خامی
۱۱۶	بی‌حسی
۱۱۸	القصة: کار در آشپزخانه

۱۱۹	فلاکت
۱۳۲	گام نهادن در جاده‌ی خاکستر
۱۳۹	آموختن اشمئزاز
۱۴۱	رفتن از خانه‌ی مادر به خانه پدر
۱۵۱	<b>فصل چهارم - عطش به پادشاه در نبود پدر</b>
۱۵۱	اختلال در فرزند بودن (پسر)
۱۵۲	قحطی پدر
۱۵۴	عدم اطمینان به مردان مسن‌تر
۱۵۶	بدخلقی بدون تعلیم
۱۵۸	پدر تاریک شده
۱۶۴	القصه: ملاقات با پادشاه
۱۶۸	پادشاه در سه حیظه‌اش
۱۶۹	پادشاه ملکوت
۱۷۱	پادشاه زمینی
۱۷۳	پادشاه درون
۱۷۷	دو رودخانه‌ی درون پادشاه ملکوت
۱۷۹	دو رودخانه در درون پدر
۱۸۳	حسرت زندگی کردن با پادشاه
۱۸۷	مذکر در قالب موجودی جدا افتاده
۱۹۱	<b>فصل پنجم - ملاقات با زن - خدا در باغ</b>
۱۹۱	مؤنث مادر و مؤنث شخصی [درون]
۱۹۳	القصه: ملاقات با شاهدخت
۱۹۸	ورود به باغ
۲۰۸	زنی با موهای طلایی و سوءتعبیری شیرین
۲۱۷	هرمس و زن - طلا

**فصل ششم - به زندگی بازگرداندن پهلوانان درون**

- ۲۲۳ پهلوان درون  
۲۲۴ پهلوان بیرونی، یا جنگجوی منضبط  
۲۲۸ پهلوان جاویدان و یا پهلوان مقدس  
۲۳۳ القصه: صحنه‌ی نبرد  
۲۴۱ به دست آوردن اسبی چهارپا  
۲۴۷ پهلوانی در علوم، ادبیات و در تعلیم  
۲۵۰ اسطوره‌ی آفرینش رومیان اولیه  
۲۵۳ پهلوانی در روابط شخصی و ازدواج  
۲۵۶ آهن در مقابل مس  
۲۵۸ حفظ تنش بین ضدین  
۲۶۳ زندگی در میان ضدین  
۲۶۶ تحسین انتخاب پاریس  
۲۶۸ گذار از مس به آهن  
۲۷۱

**فصل هفتم - سوار بر اسب‌های قرمز، سفید و سیاه**

- ۲۷۵ گذری کوتاه بر آیین‌های راهبری  
۲۷۷ القصه: جشن سیب‌های طلایی  
۲۸۸ سیب‌های طلایی  
۲۹۱ فضای آستانه [ورود]  
۲۹۲ سوار بر اسب قرمز، اسب سفید و اسب سیاه  
۲۹۹ ردیف مادر کبیر  
۳۰۱ ردیف کیمیاگران  
۳۰۲ ردیف عضلاتیت  
۳۰۳

**فصل هشتم - زخم خوردن از مردان پادشاه**

- ۳۱۱ زخمی در شرمگاه  
۳۱۱ زخمی که لنگ می‌کند  
۳۱۳ زخم گرازی که آدونیس را می‌کشد  
۳۱۶

۳۲۰	زخم گرازی که دیگر نمی‌کشد
۳۲۴	زخم در نقش رحم مذکر
۳۲۶	زخم، نماد تعهد مرد به خدای سوگ
۳۲۸	القصه: خواستگاری
۳۳۲	شیرمرد و کیفیت‌های او
۳۴۰	هم‌محلله‌های روان
۳۴۵	القصه: جشن عروسی

## فصل اول

### بالش و کلید

ما چنان راجع به «مرد آمریکایی» حرف می‌زنیم که انگار در گذر قرن‌ها و حتی طی یک دهه، چنین مردی با اخلاق و رفتاری ثابت واقعاً وجود داشته است.

مرد مذهبی متعصبی که با تفکر «کهن مرد کشاورز» مفتخر از دخل و تصرف اراضی جدیدی که در سال‌های ۱۶۳۰ میلادی از انگلستان به نیوانگلند [یکی از ایالات شمال شرقی آمریکای فعلی] مهاجرت کرد و با کمال اشتیاق در کلیسایی سرد می‌نشست و به سه خطبه پی‌درپی گوش می‌داد، با مردانی که امروز در این سرزمین زندگی می‌کنند، کاملاً متفاوت بوده و هست. در جنوب، فرهنگِ اشرافان ملاکی که تحت سلطه مادران بودند، رشد کرد. اما هیچ‌کدام از آن‌ها شباهتی به مردان سوداپیشه‌ی حریصی که بعدها راه‌آهن شمال شرقی آمریکا را کشیدند و یا به مردانی که با شعار «بی‌فرهنگیم و مفتخریم» به غرب آمریکا کوچ کرده بودند، نداشتند.

حتی در دوران معاصر الگوهای رایج به شدت دگرگون شده است. برای نمونه، در دهه‌ی ۵۰ میلادی، نوعی مرد آمریکایی سربرآورد که نماد مرد کامل آن زمان شد «مرد سال‌های ۵۰». او صبح زود سرکار می‌رفت، با مسئولیت کار می‌کرد، از زن و فرزندانش حمایت مالی می‌کرد و عاشق انضباط بود. ریگان [رئیس جمهور آمریکا در سال‌های دهه ۸۰] نمونه‌ی

مجسم و نازیبای این مدل بود. این مردان، روح زنان را درک نمی‌کردند، اما بدن آن‌ها را دوست داشتند و نظرشان راجع به دنیا و نقش آمریکا در جهان، پسرک مآبانه و خوش‌بینانه بود. بسیاری از ویژگی‌ها و اخلاق آنان، قوی و مثبت بود، اما در زیر این لایه‌ی وقار و بزرگ‌نمایی، انزوا، محرومیت و تاثیرپذیری شدیدی وجود داشت. چنین مردی اگر دشمن نداشته باشد، مطمئن نیست که آیا زنده است یا مرده.

مرد سال‌های دهه‌ی ۵۰ باید راگبی را دوست می‌داشت و جسور و تهاجمی می‌بود، برای آمریکا قد علم می‌کرد، هرگز گریه نمی‌کرد و همیشه تاملین‌کننده بود. ولی هیچ تصویری از پذیرا بودن و یک دوستی صمیمی با مردان دیگری در ذهن او وجود نداشت. شخصیتش روان و راحت نبود. روان<sup>۱</sup>

۱. Psyche: روح، در اسطوره‌های یونانی به صورت دختری زیبا به نام Psyche مجسم می‌شد و بال‌هایی پروانه‌وار داشت. Psyche بعد از مرگ به وسیله زئوس به آسمان‌ها برده شد، که تا ابد با معشوق خود کوپید Cupid زندگی کند. در بعضی از اسطوره‌ها Psyche در قالب دختری زیبا جلوه‌گر می‌شود که اروس Eros، خدای عشق، عاشق او بود.

۱- در روان‌شناسی، روح به قسمت زندگی‌دهنده اجسام خاکی که موجودی مجزا ولی در حال هم‌زیستی با بدن خاکی و مستقل از آن است، گفته می‌شود.

۲- Psyche به معنی وحدت تخصصی و مؤثری ادراکی Cognitive و واکنشی Conative تأثیرگذار بر روح و جسم Psychosomatic و تمامیت وحدت احساسات غریزی Id و ایگو و سوپرایگو و شامل خودآگاه و ناخودآگاه است.

[Id قسمت بدوی دستگاه روانی ماست که کورکورانه به لذت و درد واکنش نشان می‌دهد. مکانی است که نیروهای Psyche در آن قرار دارند و نهایتاً منشأ نیروهای اجزاء پیشرفته Psyche مثل ایگو و سوپرایگو است].

همانطور که ملاحظه شد، معنی اسطوره‌ای Psyche همان روح است. زیرا تنها قسمتی از انسان که می‌تواند جدا از انسان «زنده» بماند و وجود داشته باشد، روح است. این واژه، در روان‌شناسی امروزه دیگر به معنی روح به کار نمی‌رود. اگرچه هنوز هم به‌ندرت، در لغت‌نامه‌ها یکی از معانی مترادف آن روح است. در متون امروزه بیشتر به معنی شماره ۲ آورده می‌شود. در واقع Soul = روح می‌شود، Ego = نفس یا منیت و Psyche = روان است و چنانچه از معنی شماره‌ی ۲ برمی‌آید. شامل Ego و Super Ego و غرایز است. همچنین این روان است که بر جسم انسان تأثیر می‌گذارد و متقابلاً از روح تأثیر می‌پذیرد و آن که تأثیرپذیر است روان است

او به همان طریقی که باعث ادامه‌ی ناهنجار جنگ ویتنام می‌شد، خالی از رحم و شفقت بود. همان‌طور که در فصل‌های بعد می‌خوانید، نبود فضای «باغ» در مخیله ریگان علت حمله‌ی قلدرانه و وحشیانه‌ی او به مردم بی‌دفاع السالوادور<sup>۱</sup> و همچنین رفتار او در آمریکا نسبت به طبقه سالمندان، بیکاران تحمیلی، دانش‌آموزان و به‌طور کلی طبقه فقیر بود.

مرد سال‌های دهه‌ی ۵۰ دیدگاهی کاملاً واضح و تعریفی دقیق از آنچه یک مرد باید باشد و این‌که چه مسئولیت‌هایی را باید برعهده بگیرد، داشت. اما دیدگاه آن‌ها بسته و یک‌طرفه بود و همین خصوصیت آن‌ها را خطرناک می‌کرد.

در سال‌های ۶۰، نوع دیگری از مرد پیدا شد. بیهودگی خشونت جنگ ویتنام، آن‌ها را واداشت تا از خود بپرسند که آیا واقعاً می‌دانند تعریف یک مرد بالغ چیست؟ و اگر مردانگی و رجلیت Manhood یعنی جنگ ویتنام، آیا او می‌خواهد از آن بهره‌ای داشته باشد؟ هم‌زمان با این حرکت، جنبش زنان، مردان را تشویق به درک زنان می‌کرد و مجبورشان کرد که نسبت به خواست‌ها و زجرهایی که مردان سال‌های دهه‌ی ۵۰ در بی‌اعتنایی به آن سعی تمام داشتند، توجه نشان دهند و این آغاز جستجوی مردان در تاریخ و عقلانیت زنان بود.

بعضی از مردها متوجه رفتارهایی در خود شدند که به نام «جنبه مؤنث» Feminine Side معروف شد و شروع کردند به کنکاش در آن. این کنکاش هنوز

→

و نیز این روان است که بیمار می‌شود. روح همان است که هست و اگر هم در هر کدام از اجزاء روان اختلال ایجاد شود آن روان است که بیمار می‌شود و روح ثابت باقی می‌ماند - م.

۱. ریگان، رییس جمهور آمریکا برخلاف همه‌ی قوانین بین‌المللی، به بهانه‌ی مبارزه با مواد مخدر به السالوادور حمله کرد و رییس جمهور آن کشور به نام نوریگا را به آمریکا آورد و مثل یک تبهکار به زندان افکند و محاکمه کرد. بر اثر این حمله، خسارات و تلفات جانی زیادی به مردم السالوادور وارد شد البته بعدها معلوم شد که نوریگا یکی از مهره‌های سازمان سیا بوده، ولی هنوز اصل ماجرا آشکار نیست. - م.

مجسم و نازیبای این مدل بود. این مردان، روح زنان را درک نمی‌کردند، اما بدن آن‌ها را دوست داشتند و نظرشان راجع به دنیا و نقش آمریکا در جهان، پسرک مآبانه و خوش‌بینانه بود. بسیاری از ویژگی‌ها و اخلاق آنان، قوی و مثبت بود، اما در زیر این لایه‌ی وقار و بزرگ‌نمایی، انزوا، محرومیت و تاثیرپذیری شدیدی وجود داشت. چنین مردی اگر دشمن نداشته باشد، مطمئن نیست که آیا زنده است یا مرده.

مرد سال‌های دهه‌ی ۵۰ باید راگبی را دوست می‌داشت و جسور و تهاجمی می‌بود، برای آمریکا قد علم می‌کرد، هرگز گریه نمی‌کرد و همیشه تاملین‌کننده بود. ولی هیچ تصویری از پذیرا بودن و یک دوستی صمیمی با مردان دیگری در ذهن او وجود نداشت. شخصیتش روان و راحت نبود. روان<sup>۱</sup>

۱. Psyche: روح، در اسطوره‌های یونانی به صورت دختری زیبا به نام Psyche مجسم می‌شد و بال‌هایی پروانه‌وار داشت. Psyche بعد از مرگ به وسیله زئوس به آسمان‌ها برده شد، که تا ابد با معشوق خود کوپید Cupid زندگی کند. در بعضی از اسطوره‌ها Psyche در قالب دختری زیبا جلوه‌گر می‌شود که اروس Eros، خدای عشق، عاشق او بود.

۱- در روان‌شناسی، روح به قسمت زندگی‌دهنده اجسام خاکی که موجودی مجزا ولی در حال هم‌زیستی با بدن خاکی و مستقل از آن است، گفته می‌شود.

۲- Psyche به معنی وحدت تخصصی و مؤثری ادراکی Cognitive و واکنشی Conative تأثیرگذار بر روح و جسم Psychosomatic و تمامیت وحدت احساسات غریزی Id و ایگو و سوپرایگو و شامل خودآگاه و ناخودآگاه است.

[Id قسمت بدوی دستگاه روانی ماست که کورکورانه به لذت و درد واکنش نشان می‌دهد. مکانی است که نیروهای Psyche در آن قرار دارند و نهایتاً منشأ نیروی اجزاء پیشرفته Psyche مثل ایگو و سوپرایگو است].

همان‌طور که ملاحظه شد، معنی اسطوره‌ای Psyche همان روح است. زیرا تنها قسمتی از انسان که می‌تواند جدا از انسان «زنده» بماند و وجود داشته باشد، روح است. این واژه، در روان‌شناسی امروزه دیگر به معنی روح به کار نمی‌رود. اگرچه هنوز هم به ندرت، در لغت‌نامه‌ها یکی از معانی مترادف آن روح است. در متون امروزه بیشتر به معنی شماره ۲ آورده می‌شود. در واقع Soul = روح می‌شود، Ego = نفس یا منیت و Psyche = روان است و چنانچه از معنی شماره‌ی ۲ برمی‌آید. شامل Ego و Super Ego و غرایز است. همچنین این روان است که بر جسم انسان تأثیر می‌گذارد و متقابلاً از روح تأثیر می‌پذیرد و آن‌که تأثیرپذیر است روان است

←